نام ونام خانوادگی دانش آموز: پایه: هفتم نام دبیر: فاطمه عطایی نژاد	باسمه تعالی اداره آموزش وپرورش شهرستان بهمئی دبیرستان: دوره اول متوسطه غیردولتی طلوع دانش سال تحصیلی: ۱۴۰۲- ۱۴۰۱	نوبت امتحانی: نوبت دوم تاریخ:۱۴۰۲/۰۲/۲۷ تعداد صفحات : مدت آزمون: تعداد سوال :	محل مهرمدرسه
نام درس: املا			

ردیف	سوالات	نمره
	آنها می خاستند«نمی توانم» های خود رادفن کنند! کندن زمین ده دقیقه ای طول کشید؛چون همه ی بچه های کلاس دوست داشتند در این کار شرکت کنند.وقتی که مقداری زمین راکندند،جعبه ی«نمی توانم»را آنجا گذاشتند و به سرعت روی آن خاک ریختند. **رسول اکرم(ص)با فرزندان خود با مهر و عطوفت رفتار می کرد و می فرمود :«فرزندان ما پاره ی جگر ما هستند».** **در میان جمع گشاده رو بود و در تنهایی،سیمایی مهزون داشت.از بیماران ایادت می کرد.سخن همشین خود را نمی برید،بیش از حدْ لزوم سخن نمی گفت.** **مردم به نشانه ی اعتراظ و همایت از امام خمینی(ره) در بسیاری از شهر های ایران تظاهرات کردند و شمار فراوانی از آنها به دست معموران شاه به شهادت رسیدند.** **او نصف ورقه را پر کرده بود و هنوز هم با اراده و صماجت عجیبی به این کار ادامه می داد.از جا بلند شدم و روی کاغذهای همه ی شاگردان نگاهی انداختم.همه ی کاغذها پر از «نمی توانم»ها بود.** **یکی از مضاهرخدمات فرهنگی ایرانیان به اسلام،خدماتی است که از راه زبان فارسی به اسلام کرده اند.ادبا و عرفا و سخنوران ایرانی،حقایق اسلامی را با جامه ی زیبای شعر و نسر فارسی به زیبا ترین شکل ،آرایش داده اند و حقایق اسلامی و معانی لتیف قرآنی را در میان حکایانی شیرین آورده اند.** **هجره ای ساده و کوچک نسیب او شد.هجره ای که فضای آن بیش از شش متر مربع نبودو گلیم کحنه و ساده ای کف آن را پوشانده بود.حالا می توانست در کلاس در استادان مختلف،شرکت کند و هر روز تا نیمه های شب به مطالعه و اندیشیدن بپردازد.** **اسکندر در اصنای سفر به شهری رسید و از گورستان عبور کرد.سنگ مزارها را خواند و به حیرت فرو رفت. زیرا مدت حیاطصاحبان قبورکه بر روی سنگ ها هک شده بود هیچ کدام از ده سال تجاوز نمی کرد.** **همه آنچه در تهلیل های دشمنان این ملت و این کشور به عنوان نقطه ی مرگزی مشاهده می شود ،این است که این نسل جوان و پر شور و آینده ساز را از راه های مختلف برای ساختن ایران آباد ناتوان کنند.**	